

اجازه قرائت آنها موقوف به صوابدید شما خواهد بود شما اختیار تام دارید که به همه ولایات امنای مخصوص مأمور نماید .  
 با آن اسرار معرفت و با آن اقسام و سایل دولتی که در مقام حالیه شما جمع است هر يك از شما البته قادر خواهد بود که به تهائی يك ملكی را به حقایق آدمیه منور بسازد . اشرف شما آن وجود سعید خواهد بود که پیش از سایرین بر دور خود ادم جمع کرده باشد .  
 پس ای ارکان نظام ایران و مخصوص ای تو که در این مجلس مورد این خطاب غیبی هستی در ابراز جوهر آدمیت خود چه تأمل داری تکلیف تو روشن ایران منتظر . اسمان شاهد الله اکبر .

جناب سید جمال الدین را وزرای طهران چیرا بان فضاحتی که اردل اشقیبا هم نمی توانست تصور نمایند از ایران نفی کردند .

بعلة اینکه ان فاضل منبجر به يك غیرتی صکه میبایستی سرمشقی علمای ایران باشد دران ملك محرك ترقی و مروج آدمیه شده بود .  
 حالا کجاست .

موافق اخبار صحیح این روزها خود را سالماً به لندن رسانده در آنجا بواسطه تجدید روابط خود با بزگان عصر در نهایت دلگرمی مشغول خدمات اسلام و محرك اشتغال آدمیه ایران است .

يك آخوند مستغنی الالقاب از قزوین می نویسد یاصاحب قانون . من هیچ نمیدانم شما کیستید و چیستید . اما به نهایت ارادت ممنون وعاشق و بنده استان آدمیه تو هستم . بلی ما بر این جاتوران دیوان هیچ حق بحث نداریم . بعد از آنکه عقلا و امرای دولت اینقدر احمق و ناخجیب باشند که فرمساقی به من چه راهمه جادوش بگیرند و لبیدن آن نوع کفشها را شرط زندگی متعفن خود قرار بدهند چه جای تعجب که چند نفر جلاد مصروع بدون هیچ اشکال عقل بادشاه را بدزدند و ما را يك به يك بگیرند و بدرند وزن همه ما را . . . اما واقعاً دیگر جای هیچ حرف باقی نمانده . مختصر مطلب اینست که من با برادر جمعی از ارباب غیرت را از روی تعلیمات قانون در يك جامع آدمیه متفق و متحد ساخته ایم والان به قسمهاییکه قوی تر از آن نباشد مثل وجود واحد برای نصرت آدمیه

حاضر هر نوع خدمت هستیم .  
 باقی فرمایش چیست .

جناب آخوند .  
 ماشمارا خوب می شناسیم . شما بحکم مساعی جیل خود و بموجب آن توفیق شریف که از دربار آدمیت به جناب شما خواهد رسید امین مخصوص آن ولایت هستید . تمنای آدمیه علی العجاله اینست که جامع خود را بقدر قوه توسیع و استحکام بدهید . و از هر خدمت واجب تر این خواهد بود که اخوان غیرتمند به عزیزان آدمیه که در آن صفحات گرفتار مانده اند هر نوع مردانگی لازمه امداد را برسانند . در باب باقی تکالیف . دوتن رجال الغیب در ماه . . .

به لباس مختلف بر شما ظاهر خواهند شد . مقدم ایشان را به نهایت توقیر منتظر و از توفیق نصرت کاملاً مطمئن باشید .

( اجوبه )

از همه جا نسخه های سابق قوانین را به اصرار از ما میخواهند . نسخه های سابق تمام شد ماه آینده دوباره چاپ شدند باز تمام شد حال بار سوم چاپ میشوند فرستاده خواهد شد .

ن . د . مطالب و تحریرات را به همان راهای محرمانه که نشان داده اند بفرستید به دربار آدمیت . از آنجا به ما خواهند رسانید .

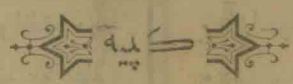
ج . غ . نقل اقوال دیگران را با اصل قول مانیاید مشتبّه کرد .

از اول تا آخر اعلام کرده ایم که در این تحریرات هیچ حرف و هیچ دلیلی قبول نکنید مگر آنچه عقول سلیم و علمای اسلام تصدیق نمایند . در این صورت چه احتیاج که بر فلان سهو قلم یا بر فلان خطای ذهن معطل توضیح بشوم .

م . د . ان لاشخور تارک خال را ابداً به دایره خود راه ندهید .

ا . د . شما هم مثل . . . السلطنه امینه حرم هستید عهدستی هر دو واجب .

ش . س . بجز آدم شدن چاره ندارد .



# قانون



قیمت يك نسخه ۵ شاهی  
 اشتراك سالانه  
 طهران ۳۰ فران  
 سایر ولایات ۲۵ ..  
 خارجه ۱۵ فرانك  
 طهران هاشم ربیع زاده



قیمت اشتراك  
 فهم کافی  
 هفته يك نمره طبع  
 و توزیع میشود

پرنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله  
 اتفاق عدالت ترقی

محل صدور این جریده در دفتر خانه کیسان انطباعات شرقی در کوچه لومبارد ۳۸ در لندن

محل توزیع در طهران و تبریز کتابخانه تربیت

در یکی از شهرهای بزرگ ایران يك شخصی هست که انواع فضایل را با رسوم درویشی جمع کرده است . این شخص محترم که در صفای بیسان و در سرعت تحریر بی عدیل محسوب میشود شرح ذیل را سه ماه قبل محرمانه به اداره قانون فرستاده . امروز باحازه خود ایشان و باشاره اولیای قانون در این نسخه انتشار میدهیم .

جناب آقا سید . . . قدوسی که در این شش ماه گذشته از اوصافش چیزهای غریب می شنیدیم دو هفته قبل علی العفاه وارد این شهر شد . تفصیل سیاحتهای او و بعضی تحریرات عجیب که باو نسبت میدهند و بخصوص شهرت اینکه از معلمین عوالم آدمیت است خواص این شهر را بی نهایت مشتاق ملاقات او ساخته بود . جناب مجتهد عمومی حقیر شب جمعه گذشته بيك وضع مناسب این سید مسافر را با جمعی از علما و ادبا و معتبرین به شام دعوت کرد و از برای اینکه نیک اندیشان دیوان بهانه ایرادی بدست نیآورند وضع جمع را طوری ترتیب داد که از خارج کسی ملتفت چنان اجتماع نشود .

قریب سی نفر که همه از فضیلتی باذوق و چند نفرشان از امرای نظام بودند بر سر وقت حاضر شدند . مجلس انس خالی از اغیار فراهم آمد . پس از تعارفات رسمی در همان ابتدای صحبت جناب شیخ . . . بدون هیچ مقدمه رو کرد به سید قدوسی و گفت ما شنیده ایم که جناب شما معلم آدمیت هستید ماخذ

این شهرت چیست .  
 سید بدون تأمل در کمال سادگی جواب داد که بی من از خادمان بسیار ضعیف کلام حق هستم و روزی من متحصص به اینست که در ترویج آدمیت بقدر قوه مصدر خدمت بشوم .  
 عموی حقیر آقای مجتهد که صدر مجلس واقع شده بود گفت ما همه تا امروز خود را آدم دانسته و آدم میدانیم این حرف تازه یعنی این کلمه آدمیت که بیان انداخته اید چه معنی دارد .

سید گفت معنی حرف ما همان حقیقت است که جمیع انبیا و ائمه علم در کتب مقدسه به زبانهای مختلف بیان فرموده و خلق این ملك به مرور ایام بد بختانه فراموش کرده اند .

آخوند ملا . . . با آن طرز مؤدب که شیوه مخصوص اوست گفت چه قدر ممنون میشدم هرگاه آن معنی آدمیت که مردم فراموش کرده اند جناب عالی در اینجا لطفاً و مختصراً از برای آقایان حاضر بیان میفرمودید .

سید گفت اختصار مطالب منشأ اشتباهات کلی بوده و می رسم شرح مطالب مایه کسالت مجلس بشود .

عموم حضار تصور کسالت را ردودر بسط کلام تمنای صادقانه نمودند .

سید پس از چند دقیقه تفکر گفت جنابان شما همه واقف هستید که انسان اشرف مخلوقات روی



زمین است . شرافت انسان بر سایر حیوانات در کجاست . در اینست که سایر حیوانات در عالم معنوی قابل ترقی و تنزل نیستند و انسان الی غیر النهایه قابل ترقی و تنزل هست . این ترقی و تنزل انسان چنانکه میدانید تماماً بسته به اختیار و موقوف به مجاهدت شخص است . هر وقت انسان درجه انسانیت خود را به سوء حرکات خود تنزل بدهد داخل عالم حیوانات میشود و هر وقت انسان درجه انسانیت خود را بواسطه محاسن اعمال خود ترقی بدهد وجود خود را رو بشفاعت آدمیت مرتفع میسازد . بنا بر این آدمیت عبارت است از صعود انسان به عوالمی که فوق عالم انسانی است . سبب جمیع بدبختیهای جنس بشر را در این نکته باید جست که انسان از ایندو استعداد ذاتی خود اغلب ایام بکلی غافل بوده است . عوض اینکه با اختیار مجاهدت در صدد ترقی ذات خود باشد از روی کسالت جهل وجود خود را تسلیم عالم حیوانی کرده است .

تحقیق این مطلب پیش از یک ساعت طول کشید . بعد از مباحثات زیاد نتیجه جمیع توضیحات این شد که همگی گفتند بل نجات دنیا بسته به ظهور اقبال آدمیت است اما از برای حصول چنان سعادت عظمی بر این خالق بیچاره چه تکلیف میتوان وارد آورد و اگر تکلیفی هست حقیقت آنرا در کجا میتوان یافت .

سید گفت منبع جمیع حقایق در دنیا یکی است . جناب شیخ پرسید آن منبع حقایق کجاست . سید بر سر این حرف تا چند دقیقه تفکر کرد و گفت سؤال مشکلی فرمودید . منتهای تأسف را دارم که در این مسئله باید مجبوراً علی العجاله ساکت بمانم .

کل اهل مجلس متفقاً فریاد کردند که اصل مطلب در همین مسئله است و اگر در این باب حقیقه علم مخصوصی دارید جای کشف آن همین مجلس است .

سید به تأمل و به الفاظ شمرده اینطور جواب گفت علم ما در این مسئله همان علم است که اولیای معرفت در وصایای خاصه خود از برای مرشدین ام و دیمه گذاشته اند . نکته که در این موقع می توانم بطور خنثی مختصر اشاره نمایم اینست که اولیای آدمیت علاوه بر علوم عامه واقف هستند

بر آن اسرار معرفت که تا امروز از نظر عوام پوشیده بوده .

بر سر این حرف کل اهل مجلس بی اختیار زرو به سید پیش آمدند و بعضی به استدعا و بعضی دیگر با فی الجمله تعرض اصرار کردند که آن اسرار معرفت چیست و از کجا بر وسای آدمیت رسیده .

آقای سید بی آنکه بر ظاهر احوالش ادا تغییری پیدا شود با همان ملایمت طبیعی که داشت گفت اصرار شما در این موقع بی جاست . آنچه میخواهید بدانید خواهید دانست اما نه حالا .

جناب ملا باثنی خواست باز اصرار بکند سید کلام او را قطع کرده گفت حرف همان است که عرض شد . بشما وعده صریح میدهم که قبل از آنکه از این شهر بیرون بروم آنچه باید بدانید خواهد دانست .

آقای مجتهد وقتی دید وعده و عزم سید جزم است گفت بسیار خوب میل جناب شمارا بر این فقره محترم میداریم . در خصوص آداب این اشخاص که اسم خود را آدم گذاشته اند بعضی حرفهای دیگر می شنویم . آیا حقیقت ائین ایشان چیست .

سید گفت در این ماهیچ لفظی نیست که جمیع اولیای اسلام و عموم حکمای روی زمین تماماً تصدیق فرموده باشند . اولاً منتهای سعی را داریم که به هیچ آدم اذیت نکنیم . ثانیاً بر ذمت خود واجب میدانیم که بقدر قوه در حق اخوان آدمیت اسباب نیکی و مصدر خدمت بشویم . اجتناب از هر نوع معاصی را فریضه مطلق میدانیم . از دروغ و تزویر کمال نفرت را داریم . والدین خود و پیران قوم را بقدری که بتوانیم تکریم میکنیم . در اجرای مراسم اتحاد و در حفظ حقوق آدمیت حرأت و مردانگی را افضل صفات میدانیم . و در مراودات و اطوار شخصی خود جمیع رسوم ادب و شرایط معقولیت را لازمه آدمیت و زینت وجود خود می شماریم .

جناب امام جمعه که به یک دقت عمیق متوجه سخنان مجلس بود گفت بر حسن این اصول اخلاق احدی در دنیا هیچ بحثی نخواهد داشت . مطلب دیگری هست که به نظر واجب تر می آید . در باب طاعت و عبادت چه اعتقاد دارید .

سید گفت سؤال بسیار واجب فرمودید . جواب ما اینست . ما عبادت را در حق پرستی و پرستش حق را در پیروی ارادت الهی میدانیم .

— پیروی ارادت الهی یعنی چه .  
— در امور بشری ان ارادت حق تعالی که فرمان

انرا اشکار تر از جمیع اوامر اسمانی می بینیم اینست که کل افراد انسانی بلا تخیلف مکلف و مأمور هستند که بسوی و عمل شخصی خود بقدر قوه اسباب عمارت دنیا و مجاهدت ترقی جنس بشر بشوند . بنابه این قانون اکبر ما مؤمنین ادبیت عبادت و پرستش حق را در اعمال مفیده قرار داده ایم نه در الفاظ و حرکات بی حاصل . موافق مذهب آدمیت آن آدمها که تلغراف و جرخ بخار اختراع کرده شکر حق را هزار مرتبه بیشتر بخا آورده اند تا آن هندوی جاهل که بیبال طاعت حق عمر خود را در ریاضت بیفایده تلف می نماید . ما بی کاری و اغو پرستی و زحمات بیهوده را منافی ترقی بشر و برضد طاعت حق تعالی میدانیم و بر عکس اینها سعی جمیل و عمل مفید و خدمت آدمیت را بهترین وضع عبادت و ا کمل طریقت حق پرستی می شماریم .

در بین این بیان آقای حکیم باشی یک دفعه بی اختیار گفت والله کلام کلام حق است . معنی عبادت معنی ترقی و الله همین است که میفرماید . واقماً چه عبادتی بهتر از نیکو کاری و چه ثوابی بالاتر از جهد ادم برای ترقی عالم .

آقای مجتهد بقصد تسکین این نوع علو حکیم باشی مطلب را تغییر داده گفت جناب سید . در خصوص زنها از زبان این جماعت بعضی مبالغات می شنویم . حقیقت مطلب چیست .

سید گفت ما در باب زنها چنان عقیده بزرگ داریم که آنچه در حق آنها بگوئیم میالفه نخواهد بود . ما زنها را مربی اطفال و مصنف آسایش خانه کی و محرک ترقی دنیا میدانیم . و این ملاحظه تربیت دختر ها را بر منتهای عفت و عصمت اقدس و ظایف تمدن می شماریم و آن زنها که آدم هستند آنها را بالاتر از آنچه تصور میفرمایید معزز و محترم میدانیم .

سرکار سرتیب . . . که از اسلامبول تازه رسیده بود مثل اینکه در این باب معلومات مخصوص داشته باشد گفت ترفیع شان زنها بسته بشرایط نکاح است اول بفرمایید در باب تعدد ازواج صاحب چه عقیده هستید .

سید گفت مادر این مسئله و در جمیع مسائل دیگر احکام خدا و اوامر شارع مقدس را در نهایت احترام تصدیق و اطاعت میکنیم و بتاعت روح آن اوامر معتقد هستیم که مفیدتر و شایسته تر اینست که هر آدم در خانه خود فقط یک منکوحه داشته باشد .

حاجی خودمان گویا محض اظهار کمال رو کرد به

اهل مجلس و گفت این مسائل همه معلوم . خوب است از جناب سید بپرسم در باب نجاست و طهارت چه میفرمایند .

سید به یک تبسم غیر معلوم گفت ما همه این مسائل را رجوع میکنیم به احکام بزرگان دین . نکته که در این باب شایسته توجه میدانیم اینست که با کی عقیده را نباید با یکی جسم مخلوط کرد . ممکن است که عقاید کسی خیلی پاک و بدن او بسیار کثیف باشد . باین ملاحظه ما حکم با کی معنوی را رجوع به تحقیقات معنوی و تشخیص با کی جسمانی را بحول به احساس بشری می نمایم . و علاوه بر با کی عقیده کمال سعی را بعمل میآوریم که در لباس و منزل و در جمیع اعمال و حرکات زندگی خیلی پاک و پاکیزه و بقدر امکان آراسته باشیم .

سرکار حاجی خواست باز اظهار بعضی معلومات عمیق تر نماید . از حسن اتفاق شام حاضر شد .

بر سر شام هیچکس حالت تکلم نداشت . همین که سفره بر چیده شد جناب شیخ گفت اگر چه به آقای مسافر خیلی زحمت دادیم اما هنوز یک مسئله بزرگ باقیست . در وضع دولت ما چه میفرمایند .

سید گفت در این مسئله بزرگ حرف ما بسیار مختصر و جامع و قطعی است . میگوئیم این دولت حاضر زیاده از وصف مغشوش و منشأ اعظم مصایب ملت است و باقتضای مقررات مشیت ازلی امروز بقوتای عقل و فرمان عموم اولیای علم بر عهده آدمیت ما واجب شده که این اغتشاش هائل را بهمت اتحاد آدمیت از صفحه روزگار مرتفع و آئین عدل الهی را برای آسایش این خلق برقرار نمایم .

جناب ملا باثنی چشمهای خود را به تعجب باز نموده گفت عجب مأموریت سنی بر عهده گرفته اید از برای اجرای چنان طرح معظم بجز ظهور چند نفر پیغمبر الوالعزم چه راهی تصور کرده اید و از چنان تصور لغو چه نتیجه می توان منتظر شد .

سید با کمال آرامی گفت شکی نیست که دیگر در دنیا پیغمبر جدید مبعوث نخواهد شد . ولیکن در ضمن اعتراف این حقیقت نباید از لزوم یک حقیقت دیگر غافل بمانیم . چه طور میتوان تصور کرد که این کار خانه کون و مکان از تجلی حق یک دقیقه خالی بماند . افزاضه فیوض حق در عهد جاهلیت بواسطه وجود انبیسای منفرد ظاهر میشد . بعد از بعثت حضرت رسالت پناهی رشته آن قسم نبوت شخصی بانتها رسید . ولیکن بدیهی است که بواسطه ختم نبوت شخصی نور نبوت مطلق در دنیا منطوق نشد . فرق



فقط در طریقه ظهور آن است . با معنی که نور نبوت عوض اینکه مثل عهد سابق در وجود پیغمبران منفرده ظهور نماید بافضای ترقی ایام در مجامع مؤمنین متحد بروز میکند . هر وقت مؤمنین فاضل از روی صدق نیت و بجهت خدمت ملت مستقلا جمع بشوند روح حقیقت در آن مجمع باندازه استعداد آن مجمع ظاهر میشود . هر قدر جمعیت و فضل و اتحاد اعضا بیشتر باشد پرتو حقیقت فایض تر خواهد بود . و این نکته مهم خود بدیهی است که از برای ظهور چنان پرتو حق اکمل دوا بر روی زمین آن محفل قضاست که مرکب باشد از اشراف فضیلتی اسلام . آن محفل قضا که ما بعبارت اخیری مجلس شورای کبرای ملی میگوئیم از برای احیای این ملت مفتاح مقدرات الهی خواهد بود . کشف اسرار و فتح ابواب فیوض در این ملک میسر نخواهد بود مگر پس از اجتماع آن مجلس اولیای علم . و چون مشیت پروردگار افتتاح آن درگاه سعادت را موقوف به کفایت جماعت آدمیان فرموده ما خادمان مخصوص آدمیت به حکم یک مأموریت ربانی بانواع لباس شب و روز مجاهد هستیم که آتش آدمیت را با نفاس روح اسلام در اقالیم روی زمین مشتعل و منتشر بسازیم و این ملل مظلوم را به بین انوار علم از این خاکساری اسارت به شرافت آدمیت و به سعادت جاودان برسانیم .

کلام سید اهل مجلس را بیش از آنچه بتوان بیان کرد غرق تفکر ساخت . پس از تأمل طولانی جناب مجتهد بیک نوع تزلزل باطنی که از وجنات حالش خوب محسوس میشد سکوت مجلس را قطع نموده گفت اهمیت مطلب را بهیچ طور نمی توان منکر شد . ولیکن خود جناب سید میدانند که این نوع حرفهای بزرگ سند بزرگ لازم دارد .

سید به یک آهنگ ملایم گفت مطلب خوب معلوم شد . جناب عالی از من معجزه میخواهد . چه خواهید فرمود هرگاه من بگویم در این میدان موهومات نیز ما حاضر هستیم . اما استدعا دارم اول بفرمائید هرگاه من بیک اشاره این اطاق را مبدل به گلستان نمایم و همین طور که نشسته اید همه شما را در آن واحد بتیات برسانم بر عقل حضار و بر معنی اقوال من چه خواهد افزود . این قبیل معجزات جسمانی لایق عهد جاهلیت بود . معجزه ایام معرفت باید عقلی و دلیل اثبات معنایی باشد . و چه معجزه روشن تر از آن کلام که اثبات خود را در معنی خود مندرج دارد . اگر ما می گفتیم بیایید ما را مرشد

کتابخانه

قیمت اشتراک

فهم کافی

هفته یک نمره طبع

و توزیع میشود

# قانون

یرنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله

اتفاق مدت ترقی

محل صدور این جریده در دفتر خانه کیمانی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد ۳۸ درلندن

محل توزیع در طهران کتابخانه شرافت

قیمت یک نسخه ۵ شاهی  
اشترک سالانه  
طهران ۲۰ قران  
سایر ولایات ۲۵  
خارج ۱۵ فرانک  
طهران هاشم ربیع زاده

عرصه حضور باهر النور جناب مستطاب حجت الاسلام ملاذالمسلمین نائب الامه المصومین آقای میرزا محمد حسن شیرازی سلمه الله تعالی .

ما عموم اهل ایران که مهجور از وطن عزیز در ممالک عثمانی متفرق هستیم از آن توجهات ربانی که این اوقات از لحرف قرین الشرف آن محبتی شریعت غرا در حق ملت ایران بظهور رسیده حمدی کران و تشکر فی نهایت را به هزاران افنخار معروض آن آستان مقدس مبداریم .

مدنی بود که ما مظلومین ایران در میان یک دریای مصائب از ترحم علمای دین خود بکلی ما بوس شده بو دیم دست تفضل آن حجت کبری به ابر از یک نور ناکهانی چشم و قلب ما را منور ساخت

دروقی که غاصبان حقوق ملت در کام روانی خود مست غرور بودند بیک اشاره انکشت ارکان هستی آنها را متزلزل و مل ممالک اسلام را بملو یک جهت نازه فرمودید بظهور این قدرت آسمانی بر کل عالم بیش از همه وقت مبرهن ساختید که روح اسلام هنوز مالک مقدرات دنباست

بدیهی است که پس از طلوع چنان آفتاب نجات چشم داشت برانسان نباید در دوائر جزئیات محدود نماید فقره فروش تجارت تنها که به اجانب یکی از فروعات آن مظللی است که بر این ملت اسلام حمل کرده اند . کدام

تعدی کدام ستم کدام شرارتیست که سهل خرابیهای آن را از هر طرف بر ملت ما جاری نکرده باشند جن و مال و عیال و ناموس و جمیع وسائل زندگی ما را باز میجه اتبج رذالتیهای تاریخ ساخته اند

در این ظلمت خاکساری چه رشیت کسب چه فرصت عبادت . چه فایده زندگی .

عمال ظلم تا این او آخر ما را بفریب این مضمون مشغول کرده بودند که فقر و ذات لازمه اسلام و ترقی و شوکت حق کفر است . خلال این عقیده حل بر ما بدستی آشکار شده است . بهزار دلیل مبرهن می بینیم که اسلام هر قدر جامع سعادت اخروی است به حال یاب نیز باید در این دنیا محرک آبادی و مری ترقی باشد . باوصف این حقیقت آشکار چرا باید ما به بن ربیت آفتاب شریعت غرا از رحمت اشرف ملک روی زمین باشیم

شکی نیست که در مقابل این عقیده یا که ما او پستی ظلم در محافل و در روزنامه جات خود فریاد خواهیم کرد که عارضین این عریضه جاهل و بی دین و خائن هستند

بلی جهل ما اینست که میگوئیم حقوق و وسائل زندگی ملت را نباید با جانب فروخت عثمانی دین و اولاد رسول خدا را نباید باین شلاعتیهای ننگینی ذلیل و در بدر کرد